



یکی از بخش‌های ناروشن فعالیت سیاسی و ادبی استاد عینی، مبارزه او علیه استعمارگران اجنبی و دفاع از ملت ومیهن و محافظت اسلام از تعرضات استعمارگران اروپائی است، که در درک جهان بینی عینی اهمیت بزرگی دارد. اکثر محققان در این مسأله خاموشی گزیده‌اند. تنها در کتاب م. رجیبی با نام «اسلام، جدیدیه و انقلاب» ضمن بررسی مسایل دیگر، راجع به موضوع یاد شده هم اشاراتی دیده می‌شود. (۱)

علت اصلی صرف نظر کردن عینی شناسان زمان شوروی از جنبه مبارزاتی او علیه استعمار روس، همانا حفظ اعتبار خلق روس به عنوان راهنمایی و پیشکار سایر ملیت‌ها بود. به عبارت دیگر، انتقاد از استعمارگری روس به شأن ملت روس خدشه وارد می‌کرد، که این امر در زمان شوروی سابق به هیچ وجه پذیرفتنی نبود. اینجاست که در آثار علمی و تحقیقات ادبی دوران شوروی به سیاست استعمارگری روس در آسیای میانه بی‌توجهی و از آن به عنوان سیاست‌ها و امپراطوری بزرگ روسیه قلمداد می‌شد. از جمله در کتاب دکتر باباجان غفوراف موسوم به «تاجیکان» فصل ششم، کتاب دوم، چنین عنوان گذاری شده است: تاجیکان در دوره پیوستن آسیای میانه به روسیه و ترقیات مناسبات سرمایه‌داری در این سرزمین (۲) یا مثال دیگر، این که در دایره‌المعارف شوروی تاجیکستان یک فصل جدا تحت عنوان «خلق تاجیک در دوران پیوستن آسیای میانه به روسیه» وجود دارد. (۳)

در این موضوع، نمونه‌ها زیادند ولی به همین دو نمونه اکتفا می‌کنیم و اما نظر معارف پرورانی امثال احمد دانش، شریف جان مخدوم (صدرضیاء)، میرزا سراج، بهبودی، فطرت، عجزی و بویژه استاد عینی در این موضوع، کاملاً چیز دیگری است. باید گفت نخستین ادیبی که واقعیت روسیه و حکومت پادشاهی آن را به مردم بخارا معرفی کرد، علامه احمد دانش بود که استاد عینی و دیگر روشنفکران بخارا، به اعتراف خودشان توسط آثار او، روسیه را شناختند. دانش در آثار خویش، تنها از نقاط مثبت روسیه حرف نزده، تمام حسن و قبح این همسایه بزرگ و جهان‌خواه بخارا را مفصلاً به قلم داده است، به طوری که هم از مدنیت و ساختار دولت‌داری روس که می‌توانست برای بخار ثمره بخش باشد ستایش نموده، هم فتنه و فساد و ظلم و توطئه حکومت مستبد روس را به باد انتقاد کشیده است. دانش، که تعبیر معروف «روسیه روسیاء» از وی باقی مانده است در «نادر الوقایع» از جمله چنین می‌نویسد: راقم حروف در سفر اول در بادی الرای دریافتم که چون نظر من به عبرت بیشتر باز بود حزن و یاس در اکابر آن دیار (منظور روسیه - از مولف) ملاحظه کردم... هرکدام آنها به

عینی

و

حکومت پادشاهی

روسی

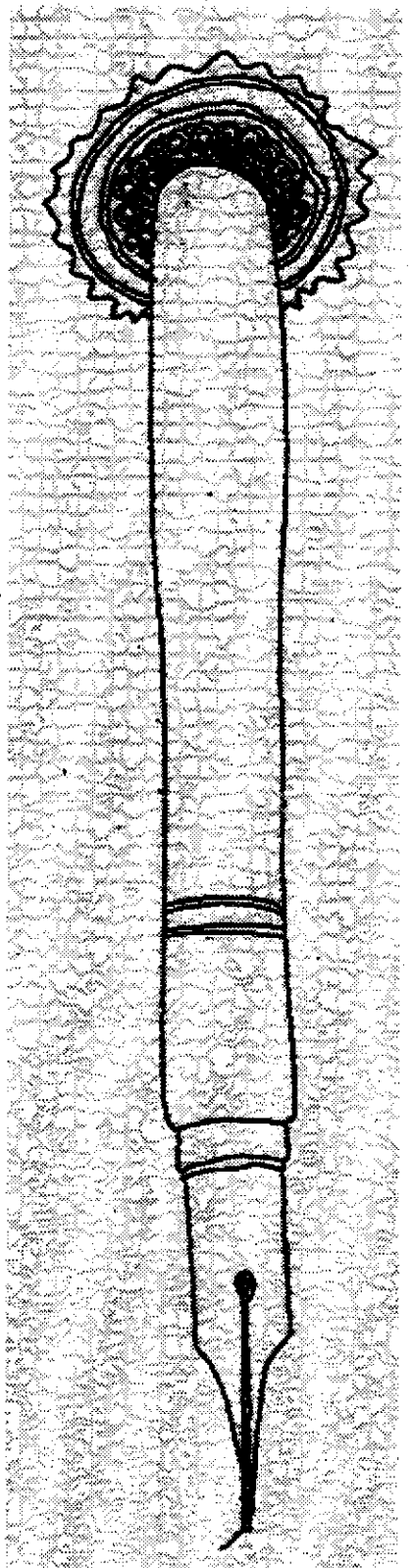
محمد یوسف امام اف

گرچه حکومت پادشاهی روسیه از نیمه دوم قرن نوزدهم بالشکرکشی‌های پنهان و آشکار خود به آسیای مرکزی، استعمار این سرزمین با ارزش و حاصلخیز را آغاز کرده بود، اما وقوع انقلاب اکتبر به رهبری لنین در سال ۱۹۱۷ میلادی، به حکومت نیکلای دوم آخرین نماینده خاندان رومانف‌ها در روسیه پایان داد. این بار، سیاست استعمار آسیای مرکزی همچون دیگر نقاط همجوار روسیه، در شکل دیگر و تحت شعار «دوستی خلق‌ها» تا ۷۴ سال بعد، یعنی سال ۱۹۹۱ میلادی و هنگام فروپاشی شوروی ادامه یافت.

در تمام این سال‌ها، در جراید و کتاب‌های درسی آسیای مرکزی، هرگز از استعمار این منطقه توسط امپراطوری روسیه ذکر نمی‌شد و تجاوزگری‌های حکومت روسیه به این سرزمین‌ها پیوسته در محاق سانسور قرار داشت.

یکی از ادیبان برجسته تاجیک که سیاست استعماری روسیه شوروی را در آسیای مرکزی به صورتی گسترده و افشاگرانه تصویر کرده، استاد صدرالدین عینی است که آثار وی در این زمینه در دوران سیطره حکومت سوسیالیستی شوروی نیز هرگز امکان انتشار نیافت.

دکتر محمد یوسف امام اف، عینی شناس تاجیک در این جستار کوشیده است تا با نگاهی تازه به آثار صدرالدین عینی، دیدگاه و اندیشه او را نسبت به سیاستگران روسی و نیز سیاست استعماری آن کشور در قبال آسیای مرکزی (ترکستان) بیان کند. سیاق نگارش فارسی تاجیکی نویسنده بر لطف و شیرینی این مقاله افزوده است.



ما فوق خود متعصب باشند و به ما تحت مباحی (۴) تاریخ گواه است که چون دنیای سرمایه داری جهان را تقسیم کرد، آسیای میانه و به ویژه سرزمین بخارا در تصرف یکی از عقب مانده ترین دولت های سرمایه داری یعنی پادشاهی روسیه درآمد که خود به تازگی وارد جهان سرمایه داری شده بود. اگر چه استعمارگران انگلیس برای به دست آوردن آسیای میانه تلاش زیادی به خرج داده بودند اما به علت دوری راه و موانعی که هندی ها و افغان ها بر سر راه آنها ایجاد کرده بودند، نتوانستند به اهداف خود نایل شوند و بدین منوال به اصطلاح خرس روس از رویاه انگلیس، پیشی گرفت. در آثار استاد عینی بویژه

□ در زمان امیر مظفر جنگ های بین بخارا و فرغانه با شدت تمام ادامه داشت و استیلاگران روس با استفاده از این فرصت شهر و نواحی کشورهای اسلامی را یکی پس از دیگری به تصرف خود در می آوردند.

در تاریخ امیران منقعی بخارا، یورش غاصبانه ارتش روسیه به آسیای میانه به تفصیل منعکس شده است. نقطه نظرات عینی به عنوان یک مورخ ورزیده که بهایی واقعی به تاریخ آن دوران داده است امروز هم از اهمیت ویژه ای برخوردار است و بنا به شهادت عینی، اولین (رابطه) امارت بخارا با روسیه در زمان سلطنت امیر حیدر صورت گرفته است، که در سال ۱۸۰۴ میلادی، میرعلاءالدین به عنوان ایلچی از سوی امیر حیدر به روسیه اعزام شد. اما دخالت بیشتر روسها به آسیای میانه و بویژه امارت بخارا هنگام حکمرانی امیر نصرالله تحقق یافته و در عهد امیر مظفر، این سرزمین کاملاً به تابعیت روسیه درآمد. صدرالدین عینی، مصادمه و جدال روس و انگلیس را در مسأله ترکستان و آسیای میانه، چنین ارزیابی کرده است: از یک طرف عساکر روس که از سرحد اورنبورگ ORENEVRG به طرف ترکستان تجاوز نمود تصرف و استیلا ترکستان را در موقع اجرا گذاشتنی بود هم با ارسال رسول و رسائل در حکومت بخارا اجرای نفوذ سیاسی کردن می خواست. از طرف دیگر حکومت انگلیس، گاه با جنگ و گاهی با صلح، به سرزمین افغانستان قدم گذاشته، با فرستادن سفیرهای فوق العاده به حکومت های بخارا خبوه و فرغانه با آنان رابطه پیدا کرده یا لطائف الحیل سیاسی می خواست راه سیلاب روس را از حدود هندوستان پیش بندی نماید. اما حکومت های ترکستان نه تنها علیه این اعمال استعمارگران اقدامی نکردند. بلکه با

راه اندازی جنگ های داخلی به طور غیر مستقیم یاری رسان روسیه شدند. چنان که استاد عینی می گوید: حکومت های ترکستان بویژه حکومت بخارا و امیر نصرالله از بازی های دولت های جهانگیر روس و انگلیس، کاملاً بی خبر بودند و با یک اندیشه مغرورانه با جنگ های بی معنی داخلی سعی در تخریب ترکستان می کردند. و به این وسیله دروازه این سرزمین را با دست خود بر روی استعمارگران باز می کردند. (۵)

مسلمانان تا حدودی برای دفاع از وطن خویش مبارزه می کردند. اما نزاع های داخلی خساراتی زیان بارتر از شر دشمن به آنها می رسانید. مثلاً تاشکندیان برای دفع روسیه از امیر مظفر (پسر امیر نصرالله که بعد از پدر بر تخت نشسته بود) کمک خواستند اما این امیر جاهل، نه تنها به کمک آنان نشتافت بلکه با یک دسیسه سلطان را به قتل رسانده و در حالی که قشون فرغانه علیه روس ها آمادگی می دید، امیر مظفر به خوفند لشکر کشید.

در زمان امیر مظفر جنگ های بین بخارا و فرغانه با شدت تمام ادامه داشت و استیلاگران روس با استفاده از این فرصت شهر و نواحی کشورهای اسلامی را یکی پس از دیگری به تصرف خود در می آوردند. و به نقل از عینی - در حالیکه عساکر روس ترکستان را ضبط نموده، به چیمکت و تاشکند یورش می بردند. امیر مظفر هنوز در فکر تصرف فرغانه بود. (۶) به همین طریق، امیر مسلمانان (امیر مظفر) به دولت روسیه در تسهیل تسخیر ترکستان دانسته، یا ندانسته خدمات ارزنده ای نمود. (۷) اما در آثار عینی، نسبت به عبدالملک توره پسر امیر مظفر، نظر نیک بینانه وجود دارد. به اندیشه استاد عینی، عبدالملک توره می دانست سمرقند را از تصرف روس ها آزاد کند اما با یک توطئه پدر جاهلش (که بیم آن داشت مردم در این صورت از پدر روی گردانده در اطراف پسر متحد شوند) با شکست مواجه شد. در جریان نهضت عبدالملک، ایشان عمرخان مخدوم اعظمی، بیلاق نشینان قبچاق، قره قال باقی و تاجیکان سمرقند به قشون عبدالملک توره همراه شدند و طی سه شبانه روز نبرد بی وقفه، از چند جای دیوار قلعه رخنه انداختند و خیلی از روس ها و یهودیان را (که در داخل عساکر روس بودند)، به اسارت گرفتند آثار فتح و تسخیر در صدد بروز بود که با یک نیرنگ، امیر مظفر (که ارسال نامه های غیر واقعی بود) به همراهی حاکم شهر سبز به این شهر رسیدند و معلوم شد که این اقدام مظفر، یک توطئه آشکاری بوده است. اما افسوس که کار از کار گذشته و قشون پراکنده شده، دیگر باز جمع نگردید. (۸) نظر انتقادی و افشاگری های عینی در مورد حکومت پادشاهی روسیه، تنها در قبال امارت بخارا

محدود نمی شود و از آن جا که عینی با جراید مختلف زمان ارتباط و همکاری داشته و از حوادث عالم با خبر بود، در نوشته هایش به مسایل تمامی مسلمانان روسیه هم می پردازد. مثلاً درباره شورش هایی که از سوی مسلمانان داخل روسیه در زمان جنگ روس و ژاپن به وقوع پیوست، چنین می نویسد: شورش های انقلابی که در نتیجه جنگ با ژاپن سر زده بود، در سال ۱۹۰۸ از سوی حکومت فرونشاندن شد. و ارباب استبداد برای سرکوب انقلابیون بویژه مردم غیرروس (منظور مسلمان هاست) اقدامات قطعی و گسترده به راه انداختند (۹)

استاد عینی در مورد مناسبت روسیه با بخارا، فقط سخن از اقدامات نظامی به میان نمی آورد بلکه در مورد تهاجم فرهنگی روس و از بین بردن اندیشه های دینی و ملی گرایی در منطقه بخارا، از سوی دست نشانده های روسیه نیز به تفصیل شرح و توضیح می دهد. مسلماً حکومت روسیه هیچ نمی خواست که مردم بومی با معرفت باشند زیرا در آن صورت به سیاست های استعمارگرانه پی برده، طبعاً برای دفاع از حقوق خویش قیام می کردند. از این رو، روسیه به عنوان کشوری استعمارگر سعی می کرد با همدستی امیران و متولیان محلی، مردم را در جهالت و بی سوادی و در انزوا از مناطق پیشرفته جهان اسلام نظیر ترکیه و ایران نگهدارد. عادی ترین حرکت مسلمین در بخارا برای بیداری و حفظ حقوق خود از طرف حکومت محلی، به دستور ایلیخانه ELCHEKHANA (سفارت) روسیه به شدت سرکوب می شد.

به نوشته عینی: حکومت استبدادی که برای نابود کردن حرکت های مسلمانان، دنبال بهانه می گشت با اغوای برخی افراد جاهل، ترقی پروران و معارف پروران را حبس می کرد. مکاتب و حلقه ها و جمعیت های خیریه را تعطیل می کرد. مسوولان جراید و مکاتب را یا به زندان می انداخت یا تبعید می نمود و بلوایی که به سر مردمان محلی و مدرسه «بویی» آمد یکی از این فتنه ها بود. (۱۰)

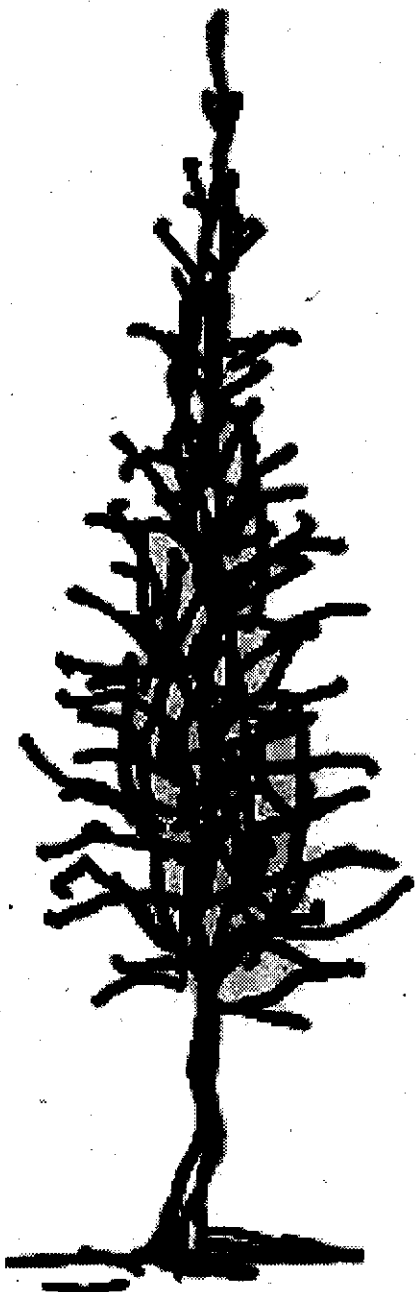
به طوری که از نوشته های عینی بر می آید، حکومت پادشاهی روس در بخارا به عنوان حامی جنایتکاران تصویر می شود. عینی نه تنها در آثار تاریخی و علمی بلکه در نوشته های ادبی و داستانی خود هم رذالت نواب حکومت پادشاهی روس را صریحاً فاش می سازد. مثلاً با عرابه کش توسط سیمای ملامان، نقش واقعی حکومتداران روس و سیاست آنها را در کنار صلاحیت های فوق العاده شان به رشته تحریر می کشد: ژنرال گوبرناتور (نماینده نظامی و سیاسی تام الاختیار روسیه در بخارا) وظیفه خدائی را انجام می دهد. گماشتگان سیاسی وی (کنسول ها در مناطق

□ نظر انتقادی و افشاگری های عینی در مورد حکومت پادشاهی روسیه، تنها در قبال امارت بخارا محدود نمی شود و از آن جا که عینی با جراید مختلف زمان ارتباط و همکاری داشته و از حوادث عالم با خبر بود، در نوشته هایش به مسایل تمامی مسلمانان روسیه هم می پردازد.

مختلف) به جای پیامبران اویند. لکن من از کارهای خدائی بخارا (منظور همان ژنرال گویر ناتور است) آن قدر خوشنود نیستم زیرا با آن که خدای مسلمین و خدای جمله دینداران، ارحم الراحمین است این خدای مملکت ما به اظلم الظالمین شهرت دارد. او در صورتیکه می توانست تحت نام «مجری مدنیت در بین وحشیان» (که خود را با همین نام به دنیا معرفی می کند) از وحشانیت حکومت بخارا جلوگیری کند، برعکس برای عملی کردن سیاست وحشیانه و ظالمانه حکومت راههای «قانونی و مدنی» جستجو می کند. (۱۱)

ایلچی خانه روسیه از یک طرف در ارتباط تنگاتنگ با حکومت بخارا، راههای قانونی و به اصطلاح دموکراتیک را جهت سرکوب مخالفین نشان می داد و از طرف دیگر ضمن برقراری تماس با مردمان عادی و محافل دینی و فرهنگی سعی می کرد سیاست تفرقه انداز و حکومت کن را، جاری سازد. بر اثر توطئه ای که در سال ۱۹۱۰، ایلچی خانه روسیه توسط جاسوسان ویژه و با اعتماد خود، فتنه ای در میان شیعه ها و سنی ها در گرفت که موجب خونریزی وحشتناکی در خیابان های بخارا گردید اما با دخالت روشنفکرانی نظیر عینی و هم مسلکانش، این فتنه خنثی شد و دست داشتن روس ها در آن، برای هر دو طرف آشکار گشت.

ادامه این مطلب را عینی چنین بیان می کند: «بالاخره به کوشش دو یا سه نفر، که رگ خواب مأمورین روس را می دانستند این تحکم غیر مشروع



صاحب منصب روس با یک چاره غیر مشروع دیگر برطرف شد و عساکر از بخارا بیرون برده شدند. (۱۲) اما اگر چه ژنرال با گرفتن رشوه کلان، عساکر خویش را از شهر برد اما تا دو ماه بعد آنان را در گرد و اطراف دروازه شهر نگاهداشته، در انتظار فتنه دیگری بود، تا دوباره وارد شهر شود. اما با تلاش شبانه روزی مصلحان دو طرف، دوباره نزاع بین شیعه و سنی درنگرفت، اگر چه تلاش های بی وقفه ایلچی خانه روس برای مدت طولانی ادامه داشت، که در این باره باز به نوشته های عینی رو می آوریم: «با فرمان ژنرال گویر ناتور در بیرون دروازه بخارا اداره ای تشکیل شده پیوسته با ایرانیان

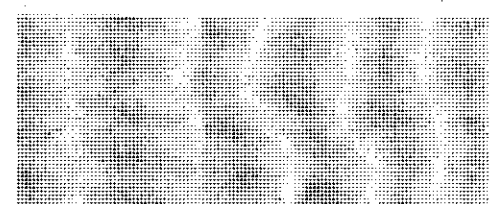
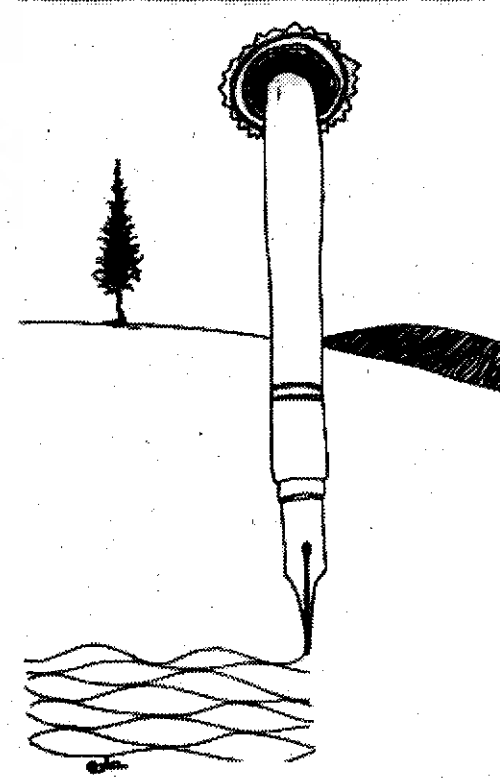
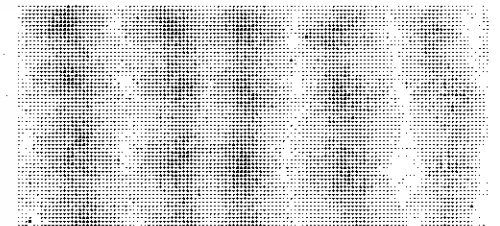
بخارا مصاحبه می کرد و آنان را به دوری و پرهیز از تاجیک ها از آمادگی ایرانی ها (شیعه ها) برای حمله به آنان هشدار می داد. (۱۲)

ستم و غارتگری مأمورین روس در بخارا پس از آغاز جنگ جهانی اول، خیلی شدت یافت. عینی در کتاب «تاریخ انقلاب بخارا» تحت عنوان جنگ جهانی و ایلچی خانه روس، حرکت مأمورین روس را در این ایام که به دوران سلطنت امیر عالم خان (آخرین امیر منقعی) راست می آمد، چنین ارزیابی کرده است:

اولاً: با هراهمی به دست آوردن منافع شخصی و جمع آوری مال و ثروت.

ثانیاً: با حق و ناحق در همه موارد و در همه جا بر رخ کشیدن قوت و نفوذ حکومت مستبد روس. ولی این دو مطلب برعکس، موجب ریختن آبرو و تضعیف نفوذ روسیه در میان جامعه بومی می گردید. (۱۳)

وضعیت حقوق مسلمین در برابر روس ها در امارات بخارات و سایر مناطق آسیای مرکزی از نوشته های عینی به خوبی روشن می شود: اگر یک شهروند بخارا که از بانک و یا روسی قرضدار و یا ورشکست می شد و یا فوت می کرد در برابر بدهی



او، خانه، زمین، و حتی لباس زن و بچه اش فروخته می شد و اگر باز هم قرض رویانده نمی شد (وصول نمی شد) از اقوام و هم محله های وی مطالبه صورت می گرفت. حتی اگر یک روس با سند جعلی علیه یک شهروند بخارا اقامه دعوا می کرد حکومت بخارا حق محاکمه و تحقیق و بازرسی نداشت و مجبور بود برای وصول طلب واهی آن روس تا آخرین ذره اش تلاش کند. (۱۵)

به دنبال سرنگونی شاه تزاری در روسیه، جوانان بخارا با روحیه بیشتر به میدان در می آیند و جدا تقاضای اصلاحات می کنند. هم امیر و هم ایلچی خانه روسیه پس از انقلاب ماه فوریه (در روسیه) کمی احساس ضعف نموده و به اصلاحات تمایل نشان می دهد ولی با مرور زمان، چون می بیند که حکومت موقت هم (در روسیه) توجه به این گونه امور ندارد، در یک اقدام بی شرمانه از تصمیمات خودراجع به اصلاحات در بخارا منصرف می شود.

در این میان، مأمورین روس با همدستی امیر عالم خان، نقشه از بین بردن جدیدان را (جریان اصلاحات خواه و معارف پرور در بخارا) طراحی می کنند. استاد عینی با دلایل قطعی اثبات می کند که به دام انداختن و کیلان (نمایندگان) جدیدیان و سپس به قتل رساندن آنها از سوی امیر، با کوشش و تحریک نماینده های ایلچی خانه روسیه بویژه افرادی چون شولگا (SHULGA) و میلر (MILLER) صورت گرفته بود. عینی نشان داد که ایلچی خانه روسیه با حکومت بخارا در چنین احوال همدستند و متفقاً چنین دامی نهاده بودند (۱۶)

عینی در جای دیگر می گوید: حکومت مستبده ما را از حقوق سیاسی، اقتصادی، ملی و از تمام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال جامع علوم انسانی

□ **استاد عینی در مورد مناسبت روسیه با بخارا، فقط سخن از اقدامات نظامی به میان نمی آورد بلکه در مورد تهاجم فرهنگی روس و از بین بردن اندیشه های دینی و ملی گرایی در منطقه بخارا، از سوی دست نشانده های روسیه نیز به تفصیل شرح و توضیح می دهد.**

حقوق طبیعی هم محروم کرد. حقوق عسکری که یکی از حقوق شرافتمندانه رعیت است هم به روی ما بسته شد. (۱۷)

عینی در آثار خود، از آن ابراز انزجار نموده، که حکومت امپراطوری روس علی رغم تعهدش به موازین دینی و اخلاقی مسلمانان هم تعرض می کرد. روس ها در داخل شهر بخارا که زمانی مهد تمدن دینی و ملی بود و به اصطلاح منشاء دین مبین بود، بیت الفسار را دایر کرده، باراهای مختلف دختران مسلمان را به آن جا جلب می کردند.

در حوالی ایستگاه راه آهن بخارا، قمارخانه و شراب خانه درست کرده، فسق و فساد و فحشاء و زدالت را در دیار اسلام به اوج اعلا رسانیدند. اما حکومت منقعی بخارا که خود را حامی شریعت قلمداد می کرد، ذره ای ممانعت بر سر راه این گونه اعمال روس ها ایجاد نمی کرد.

به همین شکل، عینی با تحلیل سیاست حکومت پادشاهی روس در آسیای مرکزی از زوال حکومت بخارا و عموماً حکومت های اسلامی آسیای مرکزی در سال های آینده، زنگ خطر را به صدا درمی آورد و چنین می نویسد: باغ، زمین، سرای و خانه هایمان اغلب در گرو بدهی به بانکهای روسیه از دست رفت. بناهای باشکوه شهر نو و رسته های خوش سودای شهر کهنه مال آرامنه، بهبود و روس های سرمایه دار گردید. قشلاق های دارای مزارع حاصل خیز همه ساله قطعه قطعه به مهاجرین روس که به این سرزمین با عناوین مختلف آمده مقیم می شود تعلق می گیرد. اگر این همه نشانه زوال و فتنای قوم نیست، پس چیست؟ اگر خدای ناکرده پنجاه سال دیگر به همین منوال وضع ادامه یابد دیگر نام ترکستان در صفحه تاریخ نمی ماند و این سرزمین را می توان «ناوا یا روسیه» (روسیه نو) نامید. (۱۸)

در اینجا نکته ای را نباید از مد نظر دور کنیم که انتقاد عینی و خشم و انزجار وی از حکومت پادشاهی روسیه، دلیل تنفر این ادیب روشنفکر نسبت به مردم عادی روس و علم و تکنولوژی آنان نیست و آنجا که سخن از مردمان عادی روس به میان می آید، عینی آنها را از عدل و انصاف دور نمی داند و انسانیت و مدنیت شان را می ستاید که نقش کارگران راه آهن و «خانم پزشک روس» در داستان «یتیمان» و نقش «عربا کش» در «یادداشت ها» از انسان دوستی مردمان روس حکایت می کند. از طرفی حضور روسیه در بخارا و عموماً آسیای مرکزی از جهت مثبت هم خالی نبود. نخستین نکته مثبت این بود، که این منطقه به وسیله روسیه به عرضه بین المللی برآمد. با آمدن روس ها مناسبات سرمایه داری در آسیای مرکزی راه یافت، که نقش موثری در پیشرفت تولیدات ایجاد کرد.

پیدایش بانک ها، کارخانه ها، دستگاههای

چاپی، راه آهن و... توسط روس ها بنا نهاده شد. از سوی دیگر، فرهنگ و تمدن روس ها که راه به آسیای میانه باز کرده بود، موجب بیداری مردم و آشنایی آنها با ادبیات جهانی گردید. مادر اینجا درباره فواید همراه شدن آسیای مرکزی با روسیه، سخن را به درازا نمی کشیم زیرا طی هفتاد سال تحقیقات تاجیک و روس در این باره زیاد گفتند و نوشته اند، اما سخن ها در باره جنبه های منفی حضور روس ها در سرزمین بخارا بود، که نه تنها در این موضوع بحثی نشده بلکه آثار قبلاً تألیف شده هم (به مانند آثار پرارزش عینی در این باره) شدیداً مورد تحریف قرار گرفته بود. به عنوان کلام آخر، ذکر این چند نکته را ضروری می دانیم که در نشان دادن تاریخ پیش از ۵۰ ساله استبداد حکومت پادشاهی روس در آسیای میانه، به ویژه در قلمرو حکومت بخارا نوشته های استاد عینی پس از نوادر الوقایع از احمد دانش. مهمترین، پرارزش ترین و در عین حال دقیق ترین روایات تاریخی اند. عینی به حیث یک متفکر بزرگ قبلاً در مورد تنزل زبان، دین، مذهب و بی سوادی ملت به هموطنانش هشدار داده، علت های آن را هم بازگو کرده است و بزرگی عینی در این است، که واقعیات را در جای خود بهادمی (ارزش گذاری) کرده، نتایج آن را پیشگویی می کند. اکثر اسناد و ارقام موجود در آثار عینی در هیچ یک از سرچشمه های تاریخ این دوران دیده نمی شود. در تمام نوشته های عینی، وی را به عنوان چهره ای بارز، یک افشاگر زبردست سیاست امپراطوری روسیه درمی یابیم، که این افشاگری یکی از پدیده های مهم ملی و آزادی خواهی مردم تاجیک محسوب می شود.

منابع نوشت:

- ۱- م- رجبی. اسلام جدیدیه و انقلاب، دوشنبه، انتشارات دانش، سال ۱۹۹۷.
- ۲- باباجان غفوراف. «تاجیکان» کتاب دوم، انتشارات عرفان، دوشنبه، سال ۱۹۹۸.
- ۳- دایرةالمعارف شوروی تاجیک، دوشنبه، سال ۱۹۷۴.
- ۴- احمد مخلوم دانش. «نوادر الوقایع» کتاب اول و دوم. دوشنبه، سال ۱۹۸۹ و ۱۹۹۸.
- ۵- عینی کلیات، جلد دهم، انتشارات عرفان، دوشنبه، سال ۱۹۶۶، صفحه ۳۱.
- ۶- همان، صفحه ۴۵.
- ۷- همان، صفحه ۵۳۵.
- ۸- همان، صفحه ۶۷.
- ۹- عینی. تاریخ انقلاب بخارا، انتشارات ادیب، دوشنبه، سال ۱۹۸۷، صفحه ۳۶.

□ در نشان دادن تاریخ بیش از ۵۰ ساله استبداد حکومت پادشاهی روس در آسیای میانه، به ویژه در قلمرو حکومت بخارا نوشته های استاد عینی پس از نوادر الوقایع از احمد دانش. مهمترین، پرارزش ترین و در عین حال دقیق ترین روایات تاریخی اند.

- ۱۰- همان، صفحه ۳۶.
- ۱۱- عینی. کلیات جلد هفتم، نشریات دولتی تاجیکستان، دوشنبه، سال ۱۹۶۲. صفحه ۳۸۵.
- ۱۲- عینی. تاریخ انقلاب بخارا، انتشارات ادیب، دوشنبه، سال ۱۹۸۷. صفحه ۱۱۹.
- ۱۳- همان، صفحه ۶۹.
- ۱۴- همان، صفحه ۱۲.
- ۱۵- همان، صفحه ۱۲۳.
- ۱۶- همان، صفحه ۱۹۱.
- ۱۷- عینی. کلیات جلد هشتم، انتشارات عرفان، دوشنبه، سال ۱۹۸۱، صفحه ۷۵.
- ۱۸- عینی. کلیات جلد یازدهم، کتاب یکم، انتشارات دولتی تاجیکستان، دوشنبه، سال ۱۹۶۳، صفحه ۱۳.

منابع

- ۱- عینی. کلیات جلد اول، انتشارات دولتی تاجیکستان، استالین آباد، سال ۱۹۵۸.
- ۲- عینی. کلیات جلد هفتم، انتشارات دولتی تاجیکستان، دوشنبه، سال ۱۹۶۲.
- ۳- عینی. کلیات جلد هشتم، انتشارات

- ۴- عینی. کلیات جلد نهم، انتشارات عرفان، دوشنبه، سال ۱۹۶۹.
- ۵- عینی. کلیات جلد دهم، انتشارات عرفان، دوشنبه، سال ۱۹۶۶.
- ۶- عینی. کلیات جلد یازدهم، کتاب اول، انتشارات دولتی تاجیکستان، دوشنبه، سال ۱۹۶۳.
- ۷- عینی. ترتیل القرآن، انتشارات سینا، دوشنبه، سال ۱۹۸۸.
- ۸- عینی. تاریخ انقلاب بخارا، انتشارات ادیب، دوشنبه، سال ۱۹۸۷.
- ۹- احمد دانش. نوادر الوقایع، کتاب اول و دوم، شهر دوشنبه، سال های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۸.
- ۱۰- احمد دانش. رساله یا مختصری از تاریخ سلطنت خاندان منغیه، انتشارات ثروت، دوشنبه، سال ۱۹۹۲.
- ۱۱- میرزاسراج حکیم. تحفه اهل بخارا، انتشارات ادیب، دوشنبه، سال ۱۹۹۲.
- ۱۲- عبدالروف فطرت. مناظره، دوشنبه، سال ۱۹۹۲.
- ۱۳- امین اف و باباخواجه. پیامدهای اقتصادی و سیاسی همراه شور آسیای مرکزی به روسیه، تاشکند، سال ۱۹۶۶.
- ۱۴- APPALOVO آپالان. گ. همراه شدن قزاقستان به روسیه، آلماتی، سال ۱۹۴۸.
- ۱۵- BRAGINSKY. حیات و ایجادیات صدرالدین عینی، انتشارات عرفان، دوشنبه، سال ۱۹۶۸.
- ۱۶- محمد یوسف امام اف. عینی و تبدیل خط- جست و جوی های ادبی کتاب دوم، دوشنبه، سال ۱۹۹۸.
- ۱۷- LAGAFET لاگافیت. کشور بی قانون، خانگری بخارا و اوضاع کنونی آن، سنت پترزبورگ، سال ۱۹۰۹.
- ۱۸- رحیم هاشم. آخر سخن، تاریخ انقلاب بخارای عینی، انتشارات ادیب، دوشنبه، سال ۱۹۸۷.
- ۱۹- رجبی. اسلام جدیدیه و انقلاب. انتشارات دانش، دوشنبه، سال ۱۹۹۷.
- ۲۰- میرزاتورسون زاده؛ نویسنده مشهور شوروی. روزنامه پروادا (حقیقت)، ۱۹۵۳.
- ۲۱- محمد جان شکوراف. نثر رئالیستی و تحول شعور زیباشناسی، مجله فرهنگ شماره های اول تا ششم، دوشنبه، سال ۱۹۹۸.
- ۲۲- جدیدیه دور نمای تاریخ. میزگرد در مجله «صلای شرق» شماره سوم، صفحه ۱۲، دوشنبه، سال ۱۹۹۰.
- ۲۳- باباجان غفوراف. «تاجیکان»، کتاب دوم، انتشارات عرفان، دوشنبه، سال ۱۹۹۸.
- ۲۴- دایرةالمعارف شوروی تاجیک، دوشنبه، سال ۱۹۷۴.